

بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل نیروی زمینی و هواینروز ارتش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهترین راه سازندگی، خدمت صادقانه با در نظر گرفتن رضای خداست
من از شما جوان‌های نیرومند مومن تشکر می‌کنم که آمده‌اید و از نزدیک با من مشاقتان و
حضور خودتان را در همه مشکلاتی که مملکت الان دارد اعلام کردید. می‌دانید که امروز مملکت
آشفته‌گی زیاد دارد. اینها یک مملکت آشفته‌ای درست کردند و به جا گذاشتند و رفتند و الان شما وارث
یک مملکت خراب شده تقریباً هستید و همه ما باید کوشش کنیم که حالا که سد عظیم را شکستیم و
پشت سد اینقدر خرابی داریم می‌بینیم، کوشش کنیم در ساختن این مملکت. و کوشش به این است که
هر گروهی در هر محلی که هستند در همان محل خوب عمل کنند، معنایش این نیست که شما که در یک
محل خاصی خدمت می‌کنید، کوششتان این باشد که در جای دیگری یک خدمتی بکنید. کوشش برای
ساختن این است که هر جمعیتی آن کار خودش را خوب انجام بدهد، این که به او محول شده است، آن
را خوب انجام بدهد. اگر همه قشرهای مملکت به این فکر باشند که الان مملکت اسلامی است و باید به
همانطوری که دستور اسلام است عمل بکنند، کم کاری در کاری که باید کار بکنند نداشته باشند،
انحراف نباشد در کار، با صداقت، با امانت، با توجه به خدا عمل بکنند.

شکست ناپذیری کشورها در سایه تفاهم میان ملت و دولت

شما ملاحظه کردید که در این انقلاب، شما همه قلوبتان برگشت به طرف ملت و این را خدای
تبارک و تعالی این قلب‌ها را برگرداند و الا یک ارتشی که در طرف دیگری بود، باید به حسب آن
وضعی که ارتش دارد، باید برخلاف مسیر مقابل خودش باشد، لکن شما ملاحظه کردید که دل‌هایتان
برگشت به این طرف و اسباب این شد که گروه‌های مختلف پیوستند به ملت و با ملت همقدم شدند،
همصدا شدند و این موجب پیروزی ملت شد، ملتی که هیچ نداشت و آن طرف همه چیز داشت. این
اراده خدا بود که ما را پیروز کرد و ما باید طوری عمل کنیم که این عنایت الهی محفوظ بماند برای ما،
امانت داشته باشیم، توجه به خدا داشته باشیم، برای ملت خدمتگزار باشیم، همه‌مان وضعمان تغییر نکند
با وضعی که رژیم‌های طاغوتی دارند. بنای ما بر این باشد که به مملکتیمان خدمت بکنیم، به ملت خدمت
بکنیم. ارتش باید نگهبان یک ملت باشد و نگهبان کشور باشد و سایر قوای انتظامی هم همین طور.

باید طوری عمل بکنند که ملت را برادر خود بدانند و ملت هم آنها را برادر خود، آنها پشتیبان ملت باشند، ملت پشتیبان آنها. اگر یک مملکتی دولت و ملتش، ارتش و ملت، قوای انتظامی و ملت از هم شدند، با هم شدند و هر دو احساس کردند که باید خدمت به هم بکنند، یک همچو کشوری شکست نخواهد خورد. عمده شکست‌هایی که کشورها می‌خورند برای بوسیدگی است که از باطن خودشان پیدا می‌شود، ارتش‌شان از آنها جدا می‌شود، ملت پشت به آنها می‌کند. همین پیروزی که شما مشاهده کردید در ایران، دیدید که ملت پشت کرده بود به دستگاه و فریاد می‌کرد «نمی‌خواهیم» خوب، ارتش هم از همین ملت بودند، ژاندارمری هم از همین ملت بودند، اینها برادر بودند، می‌دیدند که نمی‌شود مخالفت کرد، نمی‌شود تا آخر سر کوبی کرد ملت را، این است که پیوستند به ملت. خرابی‌ها مال این است که یک مملکتی قوای انتظامی‌اش را جدا کنند از ملت، ارتشش از ملت جدا باشد به طوری که ملت وقتی که ارتش را ببیند از آن فرار کند، ارتش هم در ذهنش این باشد که باید سر کوبی کند ملت را، ژاندارمری‌اش هم همین طور، شهربانی‌اش هم همین طور، اداراتش هم همین طور. وقتی بنا شد که یک کشوری اینطور حالش شد که ملت علیحده شدند و دولت با همه بساطش هم علیحده، این دولت پشتیبان ندارد. ملت باید پشتیبان دولت‌ها باشد. دولتی که پشتیبان ندارد شکست می‌خورد. همه شکست‌هایی که از این دولت‌هایی که در خارج شکست می‌خورند و مال خودمان هم دیدیم که رژیم سلطنت اصلاً به هم خورد، برای همین بود که تفاهم مابین ملت و رژیم نبود. اگر ملت با رژیم تفاهم داشتند این مسائل پیش نمی‌آمد، الان، الان شما مشغول کار خودتان بودید، ما هم مشغول کار خودمان. این مسائل روی همین زمینه پیش آمد که دولت‌ها در مقابل ملت می‌ایستادند و جبهه می‌گرفتند. ملت هم در مقابل دولت همین طور بود. وقتی اینطور شد نمی‌تواند دوام داشته باشد. ممکن است سر نیزه تا یک مدتی باشد اما دوام نمی‌تواند داشته باشد. اما اگر ملت و دولت هر دو با هم باشند، دوست باشند، اینها خودشان را خدمتگزار آنها بدانند آنها خودشان را پشتیبان اینها بدانند، هر دو به هم خدمت بخواهند بکنند، یک همچو ملت و دولتی هیچ وقت شکست نخواهد خورد. تا اینطور هستید که با ملت هستید، تا اینطور هستید که توجه به خدا داشته باشید شکست برایتان نیست. بپرهیزید از اینکه از ملت جدا بشوید، شما را بخواهند جدا بکنند، ملت هم باید بپرهیزد از اینکه از شما جدا باشد. وقتی این دو قدرت همراه هم شدند، هیچ قدرتی نمی‌تواند اینها را شکست بدهد. همه قدرت‌های خارجی، همه قدرت‌ها تقریباً، یعنی اینهایی که تماس داشتند، خوب بعضی تماسی نداشتند، چه ابر قدرت‌ها و چه قدرت‌هایی که با این ممالک ما تماس داشتند همه کوشش کردند که محمدرضا بماند، همه کوشش‌شان این بود که بماند (اگر هنه نگوییم یک اکثریتی که یکی، دو تا از آن می‌شود گفت میسثنی بود که آن هم کاری نداشت) در عین حال چون ملت یک مطلبی را نمی‌خواست، نشد. وقتی ملت نخواست، قوای انتظامی هم وفادار دیگر نمی‌توانند باشند، به یک نفر نمی‌شود که قوای انتظامی که از همین مردم است، پسرش توی این مردم است، برادرش توی این مردم است، عیالش تو این مردم است، برای خاطر یک نفر از همه چیز خودش دست بردارد. یک وقت این است که خدا و اسلام است، انسان می‌تواند از خودش

بگذرد برای خاطر خدا، برای خاطر اسلام، برای خاطر عقیده، یک وقت این حرف‌ها نیست، یک
رذمی است که طاغوتی است، معنا ندارد که انسان برای خاطر یک نفر دیگر از خودش بگذرد. از این
جهت چون پشتیبان نداشت، این وقتی که ملت با دست خالی فشار آورد شماها هم به او پیوستید، همه
قوای انتظامی هم رو آوردند به این طرف و او هم وقتی دید که از باطن پوشیده است مسأله، نتوانست
کاری بکند، دیگران هم نتوانستند. کوشش کنید که قوای شما با ملت یکی باشد، با ملت تفاهم داشته
باشد. انشاء الله خداوند همه شما را حفظ کند و همه شما را از لشکر امام زمان سلام الله علیه قرار دهد.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته